

متن پرسش

سلام خدمت استاد طاهرزاده: حقیر فقیر به لطف الهی تا حدودی مزه انس با خدا و عالم قدس را از طریق روزه داری (مستحبی) و سجده های طولانی در ذیل افق تاریخی انقلاب اسلامی چشیدم. لکن همین که خواستم آرام آرام این دو را به شکل اساسی تری وارد زندگی ام کنم، مهلت نیافتم و مسائل جسمی و روحی خاصی برایم پیش آمد که در واقع مانع و مزاحم ادامه آن کارهای بس بزرگ شدند و عزم و اراده ام را تضعیف کردند. با توجه به اینکه هدف از خلقت عبودیت است «ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» و روزه داری و سجده طولانی نقش بسیار اساسی و مهمی در جهت تحقق و تجلی هدف خلقت انسان دارند «لکل شیء باب و باب العبادة الصوم_ وجدت النور فی البكاء و السجدة»، چرا باید این موانع ظهور کنند؟ مگر نگفتند راه رسیدن به خدا مهیج و گشوده و بدون مزاحمت است؟ خدا می داند چقدر اذیت شدم. اگر نچشیده بودم دردی نبود. ولی اینکه بچشی و بعد محرومیت پیش بیاد تلخی خاصی دارد. ای خدا این وصل را هجران مکن / سرخوشان عشق را نالان مکن / بر درختی کاشیان مرغ توست / شاخ مشکن مرغ را پزان مکن

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! «رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود / رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود». نباید در این مسیر به خود سخت گیری کرد زیرا «ره چنان رو که رهروان رفتند». بالاخره این راه، یعنی راه توحید، با وسعت و گستردگی که دارد به سوی مؤمنین آغوش باز کرده. لذا با امید و طمأنینه باید این راه طی شود. موفق باشید